

آرزوها در ابتدا عیار بالایی را نشان می‌دهند، اما در آخر جز خسران نتیجه‌ای ندارند

در چینش آرزوها باید دقت کرد و به قدرت و تخصص لازم رسید. زیرا آرزوها در اول کار، عیارشان را خیلی بالا نشان می‌دهند، اما بعد از رفتن و رسیدن به آنها، می‌بینیم که جز خسارت نتیجه‌ای ندارد.

حضرت علی (علیه‌السلام) درباره این خصوصیت از آرزوها این‌گونه می‌فرماید: «الْأَمَلُ خَوَانٌ»^۱ = آرزو، خیانتکار است. (خَوَانٌ) یعنی خیلی خیانتکار. آرزو چگونه خیانت می‌کند؟ خیانت آرزوها این است که دل، ذهن، عمر، جوانی و انرژی ما را که باید صرف آرامش و خوشبختی و ساختن آخرت شوند، می‌گیرد و در عوض چیزی به ما جز خسارت نمی‌دهد. شخصی برای امام سجاد (علیه‌السلام) لباس فاخری آورد. امام لباس را پوشید و به خود نگاه کرد و سپس لباس را از تن بیرون کرد و فرمود: «كَأَنِّي لَسْتُ بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ = انگار که من علی ابن الحسین نیستم» و یک لباس ساده‌تر پوشید.

گاهی آدم‌ها به سراغ انتخابها، هوس‌ها و ارتباط‌هایی می‌روند که در شأن آنها نیست. به جای این‌که انسان چیزی را بخرد و از آن استفاده کند، خودش را به آن می‌فروشد. برای همین در قاعده «انتخابها، ارتباطها، رفتارها و افکار» باید دقت کرد تا آرزوها نتوانند به انسان خیانت کنند. آرزوها حواس پرتی می‌آورند و انسان را به بازی می‌گیرند و انسان را از دیدن دردها و انحرافات غافل می‌کنند. هوس‌ها و آرزوها و مشغله‌ها نمی‌گذارند انسان به سمت بهشت برود. مثلاً حسادت، خودخواهی، زود رنجی، عصبانیت، حساسیت، آتش هشتند و همین‌جا هم انسان را می‌سوزانند، ولی چون انسان مشغول بازی و سرگرم کارهای دیگر و مشغول تن و طبیعت است، دردها را متوجه نمی‌شود. مثل جنینی که مریض است و مادام که در رحم مادر است و به دنیا نیامده، درد را احساس نمی‌کند، اما وقتی که به دنیا متولد می‌شود، درد را احساس می‌کند. آرزوها هم همین‌طورند. آرزوها ما را سر می‌کنند و طوری ما را غافل می‌کنند که ما درد را احساس نکنیم. یعنی اگر الان حسود هستیم، زودرنجیم، عصبانیت و ... داریم، درد ناشی از سوختن در این جهنم‌ها را احساس نمی‌کنیم. اما وقتی از این دنیا رفتیم، متوجه درد و سوختن می‌شویم. چون روح با بهشت مطابقت دارد و وجود این مریضی‌ها و تحمل درد آنها در روح، می‌شود جهنم. جهنم یعنی عدم تطابق با بهشت. مثل مریضی می‌ماند. مریضی یعنی عدم تطابق و سازگاری با دنیا. پس ما فقط سلامت

^۱ - غرر الحکم : ح ۱۰۳ ، عیون الحکم والمواعظ : ص ۳۷ ح ۷۸۴.

داریم و وقتی از سلامت منحرف می‌شویم، اسمش می‌شود بیماری. در قیامت هم ما بهشت داریم، جهنم هم هست ولی به صورت عَرَضی است. وقتی تطابق با بهشت نباشد و نتوانیم از بهشت استفاده کنیم، می‌شود جهنم.

پس باید در چینش آرزوها طوری نباشیم که آرزوها ما را از «شدن» ها و از خودمان و از کودک عزیز روان مان غافل کنند. برای همین حضرت می‌فرماید: آرزو خیلی خیانت می‌کند. خیانت آرزوها یعنی اکثر آنها دروغ از آب در می‌آیند. در حدیثی دیگر از علی (علیه‌السلام) می‌خوانیم: «الْأَمَلُ كَالسَّرَابِ، يَغِرُّ مَنْ رَأَاهُ، وَ يُخْلِفُ مَنْ رَجَاهُ»^۲ = آرزو چون سراب است که بیننده‌اش را می‌فریبد و امیدوارش را مأیوس می‌سازد. دقیقاً همینطور است که حضرت می‌فرماید. یعنی انسان بعد از چند سال می‌فهمد که این چینش ها و انتخاب ها از ابتدا غلط بوده است. ملاک خوب بودن یک آرزو، «ماندگاری و دائمی بودن» آن است

در چینش آرزوها انسان باید به دوام و پایداری آرزوها نگاه کند و اگر برای انتخاب و دنبال کردن یک آرزو، باید به «دائمی یا موقت بودن» آنها توجه کند. همه انتخابهای ما در آرزوهای دنیایی، روزی از ما گرفته می‌شوند.

در این باره امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرماید: «احْذَرُ الْأَمَلَ الْمَغْلُوبَ وَ نَعِيمَ الْمَصْلُوبِ»^۳ از آرزوهای مغلوب (شکست خورده) و نعمت هایی که گرفته می‌شوند، پرهیز کنید.

بعضی انتخابها در دنیا دائمی هستند. مثل انتخاب خدا، اهل بیت، عبادت، کار و عمل خیر و حتی عمل بد. شما دست به هر عملی بزنید، تا قیامت با شما هست. ولی در اشیاء و افراد اینطوری نیست. یعنی سراغ هر کس یا هر چیز دیگری که می‌رویم، باید به جنبه مادی و طبیعی آن نگاه نکنیم، بلکه به ساختار آخرتی آن توجه کنیم.

شخصی داشت، خانه می‌ساخت. حضرت از او پرسید: این پنجره را برای چه ساختی؟ گفت: برای نور و روشنایی خانه ساختم. حضرت فرمود: بگو، پنجره را می‌سازم برای این که متوجه طلوع آفتاب شوم و برای نماز بیدار شوم. یعنی به جنبه ابدی و آخرتی هر چیزی باید توجه کرد. در خرید خانه هم درست نیت کنید. هدف از خرید

^۲ - غرر الحکم: ۱۸۹۶. (ج ۲ ص ۱۷۴).

^۳ - همان، ص ۲۷۲.

خانه، نباید پز دادن و نشان دادن به دیگران باشد. اگر با نگاه موقت و دنیایی به هر چیز نگاه کنید، همه چیز را از دست می‌دهید و چیزی هم به دست نمی‌آورد. ولی اگر رنگ خدایی و آخرتی به آن بدهید، هرگز نمی‌بازید.

شخصی را می‌شناختم که دخترش در سن جوانی و در آستانه ازدواج فوت کرد. این مصیبت روی پدر تأثیر بدی گذاشته بود، طوری که خودش می‌گفت: من پرخاشگر و عصبی شده‌ام. به او گفتم: هر چه که در آسمان و زمین است برای خداست. «لَه ما فی السماوات والارض». اگر چیزی که صاحب اصلی آن خداست، از شما گرفته شود، نباید روی اخلاق و رفتارشان تأثیر بدی بگذارد، چون که این نارضایی و ناسپاسی است. طبیعی است که انسان عواطف دارد، ممکن است گریه بکند. این عیبی ندارد. ولی این که روی عبادت و رفتار و نگاهش نسبت به خدا و اهل بیت تأثیر بگذارد، خیلی بی‌ادبی است و اجر انسان را ضایع می‌کند. باید دانست که در آخر فقط خدا برای انسان می‌ماند.

چرا باید آرزوهای پایدار را انتخاب کرد؟

علت این که باید آرزوهای پایدار را انتخاب کنیم، این است که آرزوهای ناپایدار، انسان را به نعمت‌ها می‌چسبانند در صورتی که نعمت‌ها مصلوب هستند. یعنی از انسان گرفته می‌شوند و دل بستن به چیزی که مدتی از انسان صلب می‌شود، کاری عبث و بیهوده است.

باید بدانیم با هر چیزی که ارتباط پیدا کردیم، ممکن است از ما گرفته شود، اگر همسر، فرزند، پدر و مادر، خانه، اتومبیل و... است و حتی گاهی آبرو است. در آرزوها نباید طوری به اشیاء و افراد بچسبیم که اگر از ما گرفتند، هدف ما گم شود و حرکت ما به سمت آخرت مختل شود. هیچ چیز در دنیا آنقدر ارزش ندارد که وقتی از انسان گرفته شد، انسان معشوق اصلی را که خداست، از دست بدهد. چه خوب است که انسان با نعمت‌هایی که از او گرفته می‌شود، طوری برخورد کند که انگار آن را به دست آورده بود.

پس یادمان باشد، نعمتها وقتی از ما گرفته می‌شوند، در واقع به دست می‌آیند. ما زمانی چیزی را به دست می‌آوریم که خدا آن چیز را از ما بگیرد. «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ»^۴ آنچه پیش شماست تمام می‌شود و آنچه پیش خداست پایدار است. قاعده دنیا این است که همه ارتباط‌ها موقت است ما چیز دائمی نداریم. پس اگر چیزی

^۴ - سوره نحل/۹۶.

را از دست دادیم، بگوییم پیش خدا رفت و برای ما ذخیره شد. وقتی انسان به آرزوها بچسبد، در زمانی که آن آرزو از دست ما رفت، خود آدم و سلامت و ابدیت او را هم با خودش می برد. پس فقط باید برای چیزهایی که ماندگار و ابدی هستند، مانند عمل های بهشتی و اخلاق های جاودانه سرمایه گذاری کرد. یعنی باید تا می توانیم تلاش کنیم و از خودمان بکنیم و به آخرت بفرستیم. اینجا تا می توانیم، کم مصرف و پرتولید باشیم و بفرستیم به آن طرف.

شیطان هم دائماً با حمله از جلو ما را به آرزوها می چسباند. مثلاً شخصی به من مراجعه کرد که خدا به من یک دختر خیلی شیرینی داده، گفتم: مبارک است. گفت: من دائم نگرانم که اگر او بمیرد، من چه کار کنم. این حمله از جلوی شیطان است. برای دفع این حمله ما باید از اول خودمان را در معرض آن چیزی که شیطان ما را از آن می ترساند قرار دهیم. به این شخص گفتم: شما از اول خودت را در معرض این قرار بده که شاید یک روزی این بچه برای من نماند و اگر قرار شد این بچه بمیرد، بمیرد.

ما از اول اشتباه فکر می کنیم و اشتباه ارتباط برقرار می کنیم و فکر می کنیم چیزی که داریم تا آخر با ما باید باشد و این ممکن نیست. پس چه خوب است که انسان با شعار «لا اله الا الله» خودش را آرام کند. برای همین است که از اول پیامبر به ما آرام بخشی به نام «لا اله الا الله» تزریق کرده است، یعنی من هیچ دلبری جز خدا ندارم. دلبر اصلی من خدا و امام زمان است. خدا و معصومین هم هیچوقت نمی میرند و من قرار است با همه اینها زندگی کنم. ما شعارهای قشنگ دیگر هم داریم، «لا اله الا هو»، «لا اله الا هو الحی القيوم = معشوقی جز او نیست و او زنده و پایدار است». همه زیبا و شادی آورند. من خدایی دارم که مطلق همه کمالات است. مطلق همه ثروت ها و قدرتهاست، «له ما فی السماوات و ما فی الارض = هر آنچه که در زمین و آسمان است مال معشوق و خدای من است». چقدر قشنگ است وقتی کنار خدایی می نشینی که مطمئنی هیچ وقت ترکت نمی کند و نمی میرد و جدایی بین تان اتفاق نمی افتد. مرگی بین من و خدا وجود ندارد. نه من می میرم و نه خدا. این نگاه چقدر آرامش به همراه دارد.

علی (علیه السلام) فرمود: «أَبْعَدُ الشَّيْءِ الْأَمَالُ»^۵ = دورترین چیز آرزوست». یعنی شما یک چیز طراحی می‌کنی و بعد می‌بینی محصول چیز دیگری شد. پس در چینش آرزوها باید دقت کرد و فریب نخورد و مسخره نشد. یعنی نباید ارتباطی را شروع کرد که مثلاً انسان دل و روح و سرمایه را بگذارد و بعد بفهمد سراب بوده است.

یکی از مراجع عراق در کربلا بود. او ۷-۸ بار سکنه کرده و ۱۲ سال در رختخواب بود. ولی در این ۱۲ سال این شخص در خانه‌اش را نبسته بود و مردم می‌آمدند و او کارهای مردم را راه می‌انداخت. ۱۲ سال یک نفر در یک اتاق روی تخت. با چه صفا و حالی و نشاطی رفتار می‌کرد. یک روز که به دیدن او رفته بودم، گفتم: حاج آقا ما برای سلامتی شما دعا می‌کنیم. گفت: من فقط با دعای مردم زنده هستم و تعریف کرد: ۱۵ سال پیش که لندن رفته بودم؛ آنجا سکنه کردم. دوتا دکتر آمدند و گفتند: یک ماه دیگر بیشتر زنده نیستی. الان بعد از ۱۵ سال یکی از آن دکترها ۱۰ سال است مرده و دیگری ۱۵ سال است فوت کرده و من هنوز هستم.

دورترین چیز همین آرزوست. در چینش آن باید انسان دقت کند که فریب نخورد و مسخره نشود. یعنی یک دفعه نرود یک حجمی از دل و آخرت را برای یک چیزی بگذارد و بعد بفهمد که آن آرزو او را قال گذاشته و سراب بوده. بنابراین، آدم باید بداند که دل و سرمایه اش را کجا ببرد.

° - همان، ج دوم، ص ۳۸۴.